

## صلح و سازش با تکیه بر آموزه های میانجیگری کیفری «بانگاهی به آیین نامه اجرایی میانجیگری کیفری»

مهری زمان زاده بهبهانی<sup>۱</sup>، علی آقاجری<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی (مربی)، گروه حقوق، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، گروه حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

علی آقاجری

[mohammad\\_peiro@yahoo.com](mailto:mohammad_peiro@yahoo.com)

### چکیده

اختلافات همزاد آدمی و جزء واقعیات زندگی بشری است. از سه دهه پیش تا کنون، در پی ناکارآمدی سیستم عدالت کیفری و تحت لوای عدالت ترمیمی، مفاهیمی مانند ترمیم، احیاء، جبران خسارت، مذاکره، گفتگو و میانجیگری وارد ادبیات حقوق کیفری گردیده است. فرایند میانجیگری قدیمی ترین روش اجرای عدالت ترمیمی است که طی آن شخص ثالث بیطرف به عنوان میانجی به طرفین اختلاف کمک می کند تا از طریق مذاکره و گفتگو اختلاف خود را بر مبنای توافق و بدون اتلاف وقت و هزینه کمتر، رعایت مصالح بزهکار و بزه دیده و قضا دایی حل و فصل نمایند. میانجیگری به یکی از راه حل های مسالمت آمیز بین المللی تبدیل گردیده و در مبنای عرفی و فقهی کشور ما نیز در قالب های مختلف قابل مشاهده می باشد. از این رو تبیین و تشریح فرایند میانجیگری کیفری و توابع این فرایند امری ضروری به نظر می رسد که در این پژوهش به آن پرداخته شده است. با عنایت به اینکه روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و توصیفی می باشد روش تجزیه و تحلیل به صورت نظری می باشد.

**واژگان کلیدی:** صلح و سازش - میانجیگری کیفری - آیین نامه اجرایی میانجیگری.

### مقدمه

میانجیگری که در قانون استفاده میشود یک شکل جایگزین حل اختلافات است. به عبارت دیگر، در میان اقسام شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف، میانجیگری پس از داوری، مهمترین و پرکاربردترین شیوه حل اختلاف است و از آن به عنوان روشی که در مرکز ثقل شیوه های جایگزین حل و فصل اختلافات قرار دارد، یاد شده است (ماربوت *Marriott*، ۲۰۰۵: ۴۵۰). میانجیگری در لغت به معنای «وساطت» و «واسطه شدن میان دو نفر برای رفع اختلاف آنها» است. میانجی گری روشی است که به موجب آن شخص ثالث بی طرف به عنوان میانجی از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین و بحث در خصوص موضوع مورد اختلاف و همه راه حل های احتمالی که برای حل اختلاف متصور است حل و فصل اختلاف را تسهیل می کند. در میانجیگری اختلافات در محیطی دوستانه و توأم با همکاری و

همفکری و با دید حل و فصل اختلاف مورد بحث قرار می‌گیرد و میانجیگر با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و پس از بررسی راه‌های ممکن با رعایت حقوق و منافع دو طرف، راه حلی مناسب را پیشنهاد می‌کند (هوت، ۲۰۰۲: ۳۸۵).

درباره انواع میانجی‌گری نظریه‌های مختلفی ابراز گردیده که با توجه به جمیع جهات می‌توان سه نوع میانجی‌گری را در سیاست جنایی از هم تفکیک کرد: ۱- میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی ۲- میانجی‌گری کیفری جامعه‌ی همراه با نظارت مقام قضایی ۳- میانجی‌گری کیفری قضایی - پلیسی یا میانجی‌گری درون تشکیلاتی. ضرورت‌های توجیهی میانجی‌گری کیفری، اندیشه قضا‌دایی از طریق احاله اختلافات ناشی از پدیده‌ی مجرمانه به میانجی‌گری کیفری و قبول نوعی کد خدا منشی در حل و فصل منازعات ما بین بزه دیده و بزه‌کار است. از مزایای میانجی‌گری میتوان به هزینه میانجی‌گری که قابل مقایسه با هزینه وکیل نیست، اشاره کرد. فرایند میانجی‌گری برای یک مسئله به طور کلی زمان بسیار کمتری از فرایند حل آن مسئله از مجاری استاندارد قانونی طول می‌کشد. صرف زمان کمتر به معنی صرف پول و هزینه فرصت کمتری است. یکی دیگر از مزایای میانجی‌گری، محرمانه بودن آن است، درحالی که جلسات دادگاه عمومی هستند. هیچ کس به جز طرفین دعوا از آنچه اتفاق افتاده اطلاع پیدا نمی‌کند. همچنین میانجی‌گری رسیدن طرفین به صلح نامه را افزایش می‌دهد. در میانجی‌گری معمولاً توافق و همکاری و سازگاری طرفین با نتیجه به دست آمده توسط میانجیگر بالا است. در بسیاری از موارد این واقعیت وجود دارد که تمایل آنها به میانجی‌گری به این معنی است که آنها آماده "حرکت" برای موقعیت خود هستند. درباره کاربرد میانجی‌گری میتوان گفت که میانجی‌گری علاوه بر آنکه راه حلی برای حل اختلافات است یک راه حل مناسب برای پیشگیری از اختلافات نیز هست که میتواند سبب تسهیل روند مذاکرات در یک قرارداد گردد. میانجی‌گری اختلافات در بسیاری از موقعیت‌ها قابل اجرا است مانند مسائل مربوط به خانواده و ...

## ۲- فرضیات تحقیق

۱- اصول کلی میانجی‌گری اعم از انصاف، حسن نیت، رازداری، مصلحت متهم و ... در صلح و سازش رعایت گردیده و مورد رضایت طرفین می‌باشد.

۲- سیاست جنایی در صلح و سازش بوسیله میانجی‌گری کیفری از انسجام کافی برخوردار می‌باشد.

۳- آیین نامه اجرایی میانجی‌گری سازگاری زیادی با اصول صلح و سازش دارد.

## ۳- مبانی نظری

### ۳-۱- صلح و سازش

برای آشنایی با مفهوم صلح و سازش، در ابتدا باید به بیان مفهوم جرم و انواع آن پرداخت

#### ۳-۱-۱- مفهوم جرم

جرم یعنی عملی که ترک یا انجام آن از نظر قانون قابل مجازات باشد و پس از ارتکاب، موجب برهم زدن نظم اجتماعی شود. جرائم در یک دسته بندی عمده به دو نوع قابل گذشت و غیرقابل گذشت تقسیم می‌شوند. جرائم قابل گذشت به جرائمی گفته می‌شود که قانونگذار به لحاظ رعایت مصالح اجتماعی یا خانوادگی جنبه خصوصی آنها را بر جنبه عمومی شان برتری داده است و تعقیب آنها موکول به شکایت شاکی است. حتی پس از اعلام شکایت نیز شاکی حق دارد از تعقیب متهم صرف نظر کند. بنابراین با اعلام گذشت او، تعقیب متهم متوقف خواهد شد. جرائم قابل گذشت به شمار می‌روند. برعکس، در جرائم غیرقابل گذشت اعلام شکایت یا گذشت شاکی تأثیری در امر تعقیب و نماینده جامعه (دادستان) مکلف است به محض اطلاع، متهم را تحت تعقیب قرار دهد. البته باید توجه داشت که در جرائم غیرقابل گذشت اعلام رضایت شاکی در اخذ تصمیم نهایی دادگاه درباره متهم، با رعایت شرایطی که به آنها خواهیم پرداخت موثر خواهد بود. از جمله این جرائم عبارتند از: شرب خمر، کلاهبرداری، قتل عمدی، سرقت، مزاحمت تلفنی و ... (دفتر امور بین الملل قوه قضائیه، ۱۳۹۲).

#### ۳-۱-۲- مفهوم صلح

مفهوم صلح به معنای رایج آن یعنی، فقدان جنگ (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۳۷). صلح در لغت به معنای سلم، دوستی، آشتی، سازش و مدارا به کار می‌رود و در برابر جنگ و دشمنی است و توافق گروهی با یکدیگر را صلح می‌نامند. مفهوم صلح در جهان امروز، گسترش یافته و با تفکرهای شرق آسیایی و بعدها تفکرات مسیحی که صلح دورنی را معرفی کرده اند، آمیخته شده است. در این مفهوم صلح شرایطی آرام، بی دغدغه و خالی از کشمکش و ستیز است. صلح یک مفهوم مطلق نیست و میتواند بر اساس جهان بینیهای مختلف دینی و فرهنگی، تعریف متفاوتی داشته باشد (میرکوشش و نوری صفا، ۱۳۹۲: ۱۱).

### ۳-۲- مفهوم شیوه‌های جایگزین حل اختلاف (Alternative Dispute Resolution)

شیوه‌های جایگزین یا غیرقضایی حل و فصل اختلاف که اختصاراً «آ.دی.آر» نامیده می‌شود، به همه روش‌هایی اطلاق می‌شود که حل و فصل اختلاف در خارج از دادگاه صورت می‌گیرد. در این شیوه‌ها که از آنها به «عدالت خصوصی» نیز تعبیر شده است (کاپراس، ۲۰۰۲: ۱). اختلافات به وسیله شخص یا اشخاص ثالثی که معمولاً به وسیله طرفین اختلاف انتخاب می‌شوند و مطابق

با روش و آیین رسیدگی مورد توافق طرفین حل و فصل می شود. هر چند استفاده از روش های غیررسمی حل اختلاف و به کارگیری داور و میانجی و روش کدخدا منشی و سازش برای حل نزاعها حتی پیش از شکل گیری دولت و سازمان قضایی امری معمول و متداول بوده است و سابقه و قدمت بیشتری از شیوه رسمی و دادگاهی حل اختلاف دارد. اما استفاده از شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف به گونه ای که دارای قواعد و مقررات مشخص باشد و در چارچوب مؤسسات خاصی مورد ترویج و تشویق قرار گرفته و به عنوان جایگزین شیوه دادگاهی و رسمی حل اختلاف مطرح باشد و در کل آنچه امروزه به نام «آی.دی.آر» می شناسیم چند دهه ای (از دهه ۱۹۷۰ به بعد) است، که مرسوم شده و انتخاب آن به عنوان روش حل اختلاف روز به روز طرفداران بیشتری پیدا می کند.

### ۳-۳- اقسام شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف

در کنار مزایای متعددی که استفاده از شیوه های غیر دادگاهی حل و فصل اختلاف دربردارد تنوع شیوه های حل و فصل اختلاف نیز این امکان را برای طرفین اختلاف فراهم میسازد که از میان شیوه های مختلف «آی.دی.آر» شیوه ای متناسب جهت حل و فصل اختلاف خود و گاه نیز پیشگیری از اختلاف انتخاب نمایند. «آی.دی.آر» روشهای متعددی را شامل می شود که مهمترین آنها را به اختصار معرفی می گردد

#### داوری

داوری پرکاربردترین روش «آی.دی.آر» و نزدیکترین روش قضایی و رسمی حل اختلاف می باشند. «داوری فنی است که هدف آن حل و فصل یک مسئله مربوط به روابط بین دو یا چند شخص است به وسیله یک یا چند شخص دیگر به نام داور یا داوران که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی میگیرند و بر اساس آن قرارداد رأی می دهند بی آنکه دولت چنین وظیفه ای را به آنان محول کرده باشد.» (رنه داوید، ۱۳۷۵: ۸۲). ارجاع اختلاف به داور (همانند سایر شیوه های «آی.دی.آر») بر اساس توافق طرفین صورت می گیرد (صفایی، ۱۳۷۷: ۲۲) و در واقع داور اختیار و صلاحیت خود را از قرارداد و توافق طرفین می گیرد (ردفم و هانتز، ۱۹۹۱: ۵۸). چگونگی جریان رسیدگی داور و صدور و اجرای رأی داور نیز اصولا مبتنی بر توافق و اراده طرفین می باشد و قانون حاکم بر قرارداد داور قانون حاکم بر ماهیت دعوا و قانون حاکم بر آیین رسیدگی نیز در درجه اول قانونی است که طرفین بر آن تراضی کرده اند (رنه داوید، ۱۳۷۵: ۸۱). با اینکه داور سنتی که از سابقه بسیار طولانی برخوردار است و داور در آن پس از ایجاد اختلاف به جریان می افتد همچنان نقش خود را دارد اما امروزه شیوه جدیدی از داور به ویژه در قراردادهای تجاری رواج و توسعه یافته است. در این شیوه داور پیش از ایجاد اختلاف پیش بینی میشود یعنی طرفین قرارداد در زمان انعقاد قرارداد با درج شرطی تحت عنوان «شرط ارجاع به داور»، توافق میکنند که هرگونه اختلافی را که در رابطه با تفسیر یا اجرای قرارداد به وجود آید به جای مراجعه به نظام قضایی دولتی از طریق داور حل و فصل شود. برخلاف داور سنتی که بیشتر در بین اشخاص رایج بود که با هم زندگی می کردند یا به فکر حفظ روابط حسنه خود بودند (همانند همسایگان و شرکاء) در داور جدید هر چند حفظ روابط دوستانه نیز مد نظر می باشد اما در بیشتر موارد هدف اصلی طرفین از گنجاندن شرط ارجاع به داور در قرارداد نفی صلاحیت دادگاههای دادگستری است. در حال حاضر تلاش بر این است که در موارد ارجاع اختلاف به داور، صلاحیت دادگاهها تا حد ممکن محدود شود و قوانین داور کشورهای مختلفی نیز در این جهت گام برداشته اند (هوت، ۲۰۰۲: ۳۹۳).

داوری به داور موردی یا اتفاقی و داور نهادی یا سازمانی تقسیم میشود. در داور موردی چگونگی و قواعد رسیدگی داور از جمله تعداد و شخص داوران، محل و زمان و زبان برگزاری جلسات داور با توافق طرفین مشخص می شود. بر عکس در داور سازمانی یا نهادی داور مطابق با قواعد رسیدگی یک نهاد یا سازمان داور جریان پیدا می کند. داورها به ویژه داورهای بازرگانی بین المللی از داور اتفاقی به سوی نهادی شدن پیش می رود و نقش مؤسسات متعدد داور که متخصص در امر داور بوده و دارای قواعد ویژه رسیدگی داور می باشند روز به روز پررنگ تر می شود (صفایی، ۱۳۷۷: ۲۴). داور از لحاظ محدوده اختیارات داور به داور بر اساس قانون و داور بر اساس انصاف یا به طور کدخدا منشی تقسیم میشود. در داور بر اساس انصاف یا به طور کدخدا منشی داور می تواند در صدور رأی انصاف را نیز در نظر بگیرد و از قانون که در مورد خاص برخلاف انصاف و عدالت جلوه می کند فاصله بگیرد و مطابق با انصاف رأی خود را صادر نماید. به هر حال اصل بر این است که داور مطابق قانون تصمیم بگیرد و تنها در صورتی می تواند از مر قانون عدول کند و بر اساس انصاف یا به طور کدخدا منشی حکم خود را صادر نماید که طرفین صراحتا چنین اختیاری را به وی داده باشند. به هر حال امتیازات متعدد داور و به ویژه تمایل طرفین به شناختن حقوق و تعهدات خود درگیر نشدن با حقوق و آیین دادرسی پیچیده و در عین حال ناشناخته دادگاههای خارجی و دور ماندن از مشکلات مربوط به تعارض قوانین سبب گردیده است که در اغلب قراردادهای تجاری بین المللی شرط ارجاع به داور گنجانده شود و طرفین با نفی صلاحیت دادگاهها هر گونه اختلافی را که در جریان تفسیر و اجرای قرارداد حادث می شود از طرق داور حل و فصل نمایند و حتی از حقوق ویژه بازرگانان یا «حقوق بازرگانی فراملی» صحبت به میان آورده می شود که قواعد آن متناسب با ماهیت کار و عرفهای خاص بازرگانان و فارغ از وابستگی به دولت خاصی می باشد (دیوید، ۱۹۸۲: ۲۱).

## میانجیگری

در اصطلاح و به عنوان یکی از شیوه های «آی.دی.آر» میانجی گری روشی است که به موجب آن شخص ثالث بی طرف به عنوان میانجی از طریق تشکیل جلسات و گفتگو با طرفین و بحث در خصوص موضوع مورد اختلاف و همه راه حل های احتمالی که برای حل اختلاف متصور است حل و فصل اختلاف را تسهیل می کند. در میانجیگری، اختلافات در محیطی دوستانه و توأم با همکاری و همفکری و با دید حل و فصل اختلاف مورد بحث قرار می گیرد و میانجیگری با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و پس از بررسی راه حل های ممکن با رعایت حقوق منافع دو طرف راه حلی مناسب را پیشنهاد می کند. میانجیگری از شیوه های پرکاربرد «آی.دی.آر» محسوب می شود و همانند داوری و سایر شیوه های «آی.دی.آر» ارجاع اختلاف به میانجیگری و شروع کار میانجی براساس توافق طرفین می باشد. هر چند که به دادگاه در پاره ای از اختلافات ابتدا به میانجیگری رجوع نموده و در صورت عدم حصول نتیجه به دادگاه مراجعه نمایند. تفاوت روشن میانجیگری با داوری این است که برخلاف داوری که در آن رأی داور الزام آور است و همانند رأی دادگاه بدون رضایت یکی از طرفین (محکوم علیه) نیز به موقع اجرا گذاشته می شود نظر میانجیگر برای طرفین اختلاف الزام آور نیست و طرفین می توانند نظر میانجیگر را رد نمایند و نظر پیشنهادی میانجیگر تنها با توافق و رضایت طرفین قابل اجرا می باشد. به همین دلیل میانجیگر پس از شنیدن و ارزیابی دیدگاهها و ادعاهای طرفین و تشکیل جلسات و مذاکره با طرفین نهایتاً راه حلی را پیشنهاد می کند که برای هر دو طرف قابل پذیرش باشد. میانجیگری نیز مانند داوری لازم نیست که در چارچوب یک مؤسسه صورت گیرد اما اغلب میانجیگری ها در چارچوب مؤسسات خاصی که در زمینه میانجیگری فعالیت می کنند و مطابق با مقررات مؤسسه صورت می گیرد (هوت، ۲۰۰۲: ۳۸۵).

## سازش

سازش همانند میانجیگری روشی است با مصاحبه که در آن با گفتگوهای سازشگر و طرفین، اختلافات حل و فصل می شود. سازشگر نیز همانند میانجیگر با طرفین در خصوص موضوع مورد اختلاف گفتگو می کند و دیدگاههای آنها را به هم نزدیک کرده و در صورت تمایل طرفین طرح سازش یا سازشنامه را تنظیم مینماید. هر چند محققان بین میانجیگری و سازش تمایز قائل نشده اند اما هیچگونه اجماعی در خصوص تعریف دقیق این دو شیوه و تمایز بین آنها وجود ندارد. برای مثال حقوقدانان کانادایی سازش را شیوه ای از حل و فصل اختلاف می دانند که طرفین اختلاف در یک اتاق حضور نداشته و سازشگر با هر یک از طرفین به طور جداگانه تماس می گیرد و در اصطلاح از «میانجی گری رفت و برگشت» استفاده می کند در حالی که در میانجی گری طرفین به طور رودررو با هم مذاکره می کنند. معیار تمایز یاد شده دقیق و گویا نیست زیرا در میانجی گری ممکن است میانجیگر به طور جداگانه با طرفین دیدار و گفتگو نماید و برعکس ممکن است طرفین سازش به طور رودررو با هم مذاکره نمایند. بعضی دیگر فرق سازش و میانجی گری را در این دانسته اند که نقش سازشگر فعالتر از نقش میانجی است و باید پس از انجام مذاکرات طرح سازش یا سازشنامه را تنظیم نماید. واقعیت این است که میانجی گری و سازش تفاوت اساسی با یکدیگر ندارند و نتیجه کار میانجی گری میتواند به سازش بین طرفین منجر شود. در سازش با توجه به اینکه راه حل خوشایند هر دو طرف، اساس سازشنامه را تشکیل می دهند عدالت به طور واقعی تر و ملموس تر اجرا می شود. سازش به عنوان یکی از شیوه های حل و فصل اختلاف در کشورهای خاور دور مثل چین و ژاپن و کشورهای آفریقایی نقش و اهمیت زیادی دارد به گونه ای که قسمت وسیعی از اختلافات از طریق سازش حل و فصل می شود (آربیتریج، ۱۹۸۷: ۱۷۹).

## مذاکره

مذاکره، روشی است که در آن شرکت کنندگان تلاش میکنند که در خصوص موضوعات مورد اختلاف یا درخصوص اختلافات احتمالی به یک تصمیم مشترک برسند. هنگامی که از مذاکره به عنوان یکی از روش های «آی.دی.آر» یاد می شود منظور این است که طرفین به جای ارجاع اختلاف به دادگاه به منظور حل و فصل اختلاف با هم مذاکره نمایند. در اغلب روش های «آی.دی.آر» مذاکره و گفتگوی طرفین رکن اساسی به شمار می رود تلاش می شود با یافتن راه حل مورد رضایت طرفین که در مذاکره به آن دست یافته اند اختلاف به طور دوستانه حل و به روابط آینده طرفین آسیب وارد نشود. معمولاً مذاکره با شرکت مستقیم طرفین انجام می گیرد هر چند وکلای آنها نیز می توانند در مذاکره شرکت نمایند. اصل این است که شخص ثالث در مذاکره دخالت نکند اما ممکن است شخص ثالث با شرکت در مذاکرات و بیان علت اصلی ایجاد اختلاف و چگونگی جبران خسارت به جریان حل و فصل اختلاف کمک نماید. در روابط بین الملل بسیاری از اختلافات بین دولتها از طریق مذاکره و گفتگو حل و فصل میشود. در اختلافات بین دولتها و اشخاص خصوصی نیز از مذاکره به عنوان روش حل اختلاف زیاد استفاده می شود. به عنوان مثال در قانون تشویق و حمایت سرمایه گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱ پیش بینی شده است که طرفین جهت حل اختلاف ابتدا از روش مذاکره استفاده نمایند. در ماده ۱۹ این قانون مقرر شده: «اختلافات بین دولت و سرمایه گزاران خارجی در خصوص سرمایه گذاری های موضوع این قانون چنانچه از طریق «مذاکره» حل و فصل نگردد در

دادگاههای داخلی مورد رسیدگی قرار میگیرد.» بنابراین انتخاب مذاکره به عنوان روش حل اختلاف می تواند به اختلافات طرفین پایان دهد و طرفین را از ارجاع اختلاف به دادگاه یا سایر شیوه های «آی.دی.آر» معاف سازد (آر.بی.تیج، ۱۹۸۷: ۱۷۹).

### ارزیابی بی طرفانه

ارزیابی بی طرفانه روشی است که طبق آن طرفین دلایل و ادعاهای خود را در خصوص موضوع مورد اختلاف به یک کارشناس بی طرف ارائه می کنند و کارشناس مزبور دلایل و ادعاهای طرفین را ارزیابی می کند و سپس پیش بینی می کند که دادگاه چگونه در خصوص موضوع مورد اختلاف تصمیم خواهد گرفت. در روشی دیگر که می توان آن را جزو شیوه ارزیابی بی طرفانه تلقی کرد چنانچه اختلاف دربردارنده موضوعی تخصصی باشد که مستلزم کارشناسی است و آن موضوع علت اصلی اختلاف و مانع از حصول توافق میان طرفین باشد طرفین ممکن است توافق کنند که یک کارشناس بی طرف راجع به موضوع اتخاذ تصمیم نماید. طرفین می توانند توافق نمایند که نظر کارشناس برای آنها الزام آور باشد. به عنوان مثال چنانچه اختلاف درخصوص ارزش موضوع یا مورد معامله باشد یا اختلاف در خصوص امور داخلی یک مؤسسه تجاری باشد همانند اختلاف مؤسسه با کارکنان آن در مورد حقوق استخدامی یا مطالبات آنها دخالت کارشناس بی طرف که در موضوع مورد اختلاف دارای تخصص میباشد میتواند به اختلاف طرفین پایان دهد. طرفین با حضور نزد کارشناس در خصوص موضوعات ماهوی و حکمی مورد اختلاف دلایل و ادعاهای خود را ارائه می کنند. شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف روشهای دیگری از جمله رسیدگی کوتاه و شیوه های ترکیبی «آی.دی.آر» که طبق این شیوه ها چنانچه اختلاف طرفین از طریق یکی از روشهای «آی.دی.آر» که معمولا روش ساده تر، ارزان تر و غیرتشریفاتیتر بوده و طرفین ابتدائاً آن روش را انتخاب کرده اند، حل و فصل شود. روش یا روشهای دیگر جهت حل و فصل اختلاف به کار گرفته می شود مانند میانجی گری- داوری، که طبق آن طرفین ابتدا از روش میانجی گری جهت حل و فصل اختلاف خود استفاده می کنند و در صورت عدم حصول نتیجه به روش داوری روی می آورند دربردارد. کلیه شیوه های مزبور با انعطاف لازم و شرکت دادن طرفین در مذاکرات تلاش دارند که اختلاف طرفین سریع، ارزان و در عین حال به طور غیرعلنی و در یک جو دوستانه حل و فصل شود (هوت، ۲۰۰۲: ۴۱۱).

### ۴-۳- بررسی وضعیت شیوه های جایگزین حل و فصل اختلاف در ایران

در ایران از دیرباز حل اختلافات از طریق داوری سازش و میانجیگری و به روش کدخدا منشی خصوصا در روستاها و در بین قبایل و عشایر امری معمول و متداول بوده است. قانونگذار نیز در قوانین مختلفی تلاش کرده است که حل بخشی از اختلافات مردم را به شیوه های غیررسمی و خارج از دادگاه واگذار نماید. در قانون آیین دادرسی مدنی (مصوب ۱۳۱۸) فصلی به داوری اختصاص یافته است. پس از آن به موجب ماده واحده قانون راجع به امور قضایی عشایر و ایلاتی که اسکان داده می شود (مصوب ۱۳۳۷) مقرر شده است: «در نقاطی که ایلات و عشایر خلع سلاح شده اسکان می شوند برای رسیدگی به اختلافات و دعاوی افراد ایلات و عشایر با یکدیگر و یا کسانی که با آنها دعوا دارند وزارت دادگستری می تواند هیئت هایی مرکب از سه نفر که دو نفر از آنها از قضات مجرب باشند تشکیل دهد که با توجه به اصول و قوانین به طریق کدخدا منشی و اصلاح اختلافات و دعاوی را فیصله دهند». نفر سوم هیئت مذکور خارج از دادگستری و از میان اشخاص معتمد انتخاب خواهد شد. پس از آن قانونگذار خانه های انصاف را در روستاها و شوراها داوری را در شهرستانها به موجب قانون و آیین نامه مفصلی تشکیل داد که اعضای آنها انتخابی بوده و به طریق کدخدا منشی نسبت به حل بعضی اختلافات اقدام میکردند. طبق ماده ۶۸ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (مصوب ۱۳۷۵) یکی از وظایف و اختیارات شورای اسلامی روستا تلاش برای رفع اختلافات افراد و کالت و حکمیت را بین آنها ذکر نموده است. در قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب (مصوب ۱۳۷۳) نیز حل اختلاف از طریق داور (قاضی تحکیم) مجاز شمرده شده است. پس از آن قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹) با اصلاحاتی مواد مربوط به داوری مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی سابق (مصوب ۱۳۱۸) در باب هفتم تکرار نموده است. در قانون تشکیل یا اساسنامه شرکتها و مؤسسات مختلف دولتی نیز به مدیر عامل یا هیئت مدیره اجازه داده شده است که دعاوی و اختلافات را از طریق ارجاع به داوری و گاه سازش حل و فصل نماید. در مواردی نیز حل اختلاف باید از طریق داوری صورت گیرد، مانند اختلاف کارگزار و سهامدار در بورس اوراق بهادار که از طریق شورای داوری بورس حل خواهد شد. قانون داوری تجاری بین المللی نیز که با استفاده از قانون نمونه داوری بازرگانی بین المللی آنسیترال تهیه و تنظیم شده است در سال ۱۳۷۶ و به منظور بهره گیری در داوری های تجاری بین المللی به تصویب رسید. شوراها حل اختلاف نیز که اختلافات را خارج از دادگاه ها حل و فصل مینماید. در اجرای ماده ۱۸۹ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سراسر کشور تشکیل شده است و قسمتی از کار دادگاه ها را بر عهده گرفته است. با این همه هنوز از نظر حل اختلافات در خارج از دادگاهها و از طریق شیوه های جایگزین حل اختلاف وضعیت مطلوبی نداریم و طرفین اختلاف دادگاه ها را برای حل اختلافات خود انتخاب میکنند. چند دلیل برای این امر قابل ذکر می باشد. اولاً در زمینه ADR قوانین لازم و مناسب نداریم. بجز داوری و سازش چارچوب و اعتبار قانونی سایر شیوه های ADR مشخص نشده است. ثانیاً در کشور ما مراکز قوی و معتبری که در زمینه داوری، میانجیگری و سایر تکنیکهای ADR فعالیت کند

وجود ندارد. ثالثاً فرهنگ رجوع به داوری میانجیگری و سایر شیوه های حل اختلاف در کشور ما نهادینه نشده است و اشخاص بهترین راه احقاق حق و اختلاف را مراجعه به دادگستری میدانند، یکی از دلایل این امر نبود مراکز فعال داوری و میانجیگری است تا هم به طرق مختلف مردم را به حل اختلافات خود از طریق شیوه های غیرقضایی حل اختلاف ترغیب نمایند و هم داوران و میانجیگرها و سایر اشخاص ثالث فعال در حل اختلاف را با احراز صلاحیت و با انتشار لیست به مردم معرفی کنند (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۲: ۳).

#### ۴- میانجیگری

##### ۴-۱- تعریف میانجیگری

بعضی از نویسندگان، میانجیگری را به عنوان پروسه ای تعریف می کنند که از طریق آن یک شخص ثالث بی طرف یعنی میانجی، مذاکرات میان طرفین را به منظور کمک به آنها در رسیدن به حل و فصل اختلاف، تسهیل می کند. هدف پشت پروسه میانجیگری آن است که سریع، ارزان و محرمانه باشد (توئیدل Tweeddale، ۲۰۰۵: ۶). در تعریفی دیگر، میانجیگری به عنوان روش غیرالزام آوری توصیف شده است که در آن شخص ثالث بی طرف به طرفین اختلاف جهت رسیدن به حل و فصل مورد توافق در خصوص اختلاف، مساعدت می کند و بنابراین میانجیگری به عنوان هنر جمع کردن طرفین اختلاف جهت حل و فصل اختلاف، تلقی میشود (موتیوال Motiwal، ۱۹۹۸: ۱۱۸).

می توان گفت میانجیگری روشی است که در آن شخص ثالث به طرفین اختلاف کمک می کند تا از طریق مذاکره و گفتگو و سنجش راه حل های مختلف، اختلاف را به طور دوستانه و بر مبنای توافق حل و فصل کنند. میانجی با کمک به طرفین در انجام مذاکره و پیشنهاد راه حل های مختلف روند حل اختلاف را تسهیل می کند. چنانچه میانجی در پایان نظری هم ارائه می کند این نظر برای طرفین الزام آور نیست و همچون پیشنهادی است که باید طرفین در خصوص آن توافق کنند.

##### ۴-۲- آیین نامه میانجی گری در امور کیفری

"آیین نامه میانجی گری در امور کیفری" در اجرای ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحیه آن و به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رسید. ماده ۱ آیین نامه بیان میدارد

ماده ۱ - در این آیین نامه، عبارات و اصطلاحات در معانی ذیل به کار می روند.

الف - میانجی گری؛ فرایندی است که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجی گر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می گردد.

ب - میانجیگر؛ میانجی گر، شورای حل اختلاف، شخص یا مؤسسه ای است که فرایند گفتگو و ایجاد سازش بین طرفین امر کیفری را مدیریت و تسهیل می نماید.

پ - جرم؛ در این آیین نامه، مطابق ماده ۸۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شامل جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، می باشد.

ت - مؤسسه میانجی گر؛ مؤسسه ای است که به این منظور طبق قوانین و مقررات حاکم بر مؤسسات غیر تجاری تأسیس میگردد یا سایر مؤسسات به تشخیص مقام قضایی ارجاع دهنده می باشد.

ث - فرایند میانجی گری؛ مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیریت میانجیگر و با حضور بزه دیده و متهم و در صورت ضرورت سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده، دوستان یا همکاران آنها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذیربط رسمی، عمومی و یا مردم نهاد، برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق، موافقتنامه ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می شود.

ج - جامعه محلی؛ عبارت از کلیه اشخاص یا نهادهایی که ممکن است به دلیل ارتباط با متهم، بزه دیده و یا تأثیرپذیری از جرم و نتایج آن، بتوانند در فرایند پاسخدهی به جرم، مسئولیت پذیر کردن متهم و جلب رضایت بزه دیده تأثیرگذار باشند.

چ - موافقتنامه یا صورت مجلس سازش؛ متنی است که به امضای میانجیگر و طرفین اختلاف میرسد. در موافقتنامه جزئیات توافق طرفین و از جمله حقوق و تکالیف آنها به روشنی مورد تصریح قرار میگیرد.

##### ۵- مزایای میانجیگری

###### هزینه

هزینه ی میانجی قابل مقایسه با هزینه وکیل نیست. فرایند میانجی گری برای یک مسأله به طور کلی زمان بسیار کمتری از فرایند حل آن مسئله از مجاری معیار قانونی طول می کشد. ممکن است یک مورد پرونده برای حل و فصل توسط وکیل و یا قاضی ماه ها یا

سال ها طول بکشد و این در حالی است که یک میانجی ظرف چند ساعت به لایحه توافق دست پیدا می کند. صرف زمان کمتر به معنی صرف پول و هزینه فرصت کمتری است.

### انعطاف پذیری و سرعت عمل

برخلاف دادرسی قضایی که دادگاه ها ملزم به پیروی از تشریفات قانونی و آیین دادرسی بوده و این تشریفات، که خود موضوعیت داشته و برای تضمین عدالت واجد اهمیت اساسی است، اغلب طولانی، زمانبر و خشک و غیر قابل انعطاف است حال آنکه در روش میانجیگری، طرف ها و یا اشخاصی که به حل و فصل اختلاف و منازعه می پردازند، تابع هیچ تشریفات نیستند مگر آنچه که خود تعیین کنند. به همین علت سرعت و انعطاف پذیری یکی از مهمترین مزایای میانجیگری است.

میانجیگری به دلیل انعطاف و پویایی در انواع اختلافات و منازعات - از خانوادگی و مدنی تا سیاسی و بین المللی - قابلیت کاربرد دارد. میانجی ها با استفاده از دانش و توانایی های ارتباطی، استدلالی و اقناعی خود می توانند طرف هایی را که نسبت به یکدیگر و موضوعات مورد اختلاف تلقی ها و مواضع سرسختانه ی دارند گاه آن چنان تحت تأثیر قرار دهند که خود پیش قدم حل اختلافات شان شوند. هنر اصلی میانجی گران این است که با حفظ بی طرفی به طرفین درگیر کمک کنند تا خود شان واقعیت ها را بشناسند و به سوی همدلی و همکاری و طرح ایده های جدید برای حل اختلافات حرکت کنند.

### محرمانه بودن

در حالی که جلسات دادگاه علنی هستند، میانجیگری به صورت محرمانه باقی می ماند. هیچ کس به جز طرفین دعوا از آنچه اتفاق افتاده اطلاع پیدا نمی کند. محرمانه بودن در میانجیگری چنان مهم است که در بسیاری از موارد، دادگاه نمی تواند از یک میانجی برای شهادت در دادگاه استفاده کند. بسیاری از میانجی گران یادداشت های فرایند وساطت را پس از پایان فرایند نابود می کنند.

### کنترل بیشتر و پذیرش

میانجی گری رسیدن طرفین به لایحه ی توافق را افزایش می دهد. برای یک پرونده در دادگاه که کنترل آن توسط قاضی یا هیأت منصفه صورت می پذیرد، طرفین ممکن است به توافق برسند اما اغلب قاضی یا هیأت منصفه از نظر قانونی نمی توانند راه حلی را که میانجی نشان می دهد ارایه کنند. به همین علت احتمال اینکه یک میانجی به نتیجه ای دست پیدا کند که طرفین بر آن توافق دارند بیشتر است. توافق، سازگاری و همکاری طرفین معامله یا منازعه، با نتیجه به دست آمده توسط میانجی معمولاً بالا است. این بیشتر هزینه ها را کاهش می دهد. زیرا لازم نیست که طرفین دعوا وکیل استخدام کنند و این در حالی است که نتیجه بدست آمده به طور کامل در دادگاه قابل اجرا است.

### تقابل و پشتیبانی

طرفین معامله معمولاً آماده کار متقابل برای رسیدن به یک فصل مشترک با حضور یک میانجی هستند. در بسیاری از موارد این واقعیت وجود دارد که تمایل آنها به میانجی گری به این معنی است که آنها آماده "حرکت" برای موفقیت خود هستند و هم چنین تمایل به درک طرف دیگر و درک مسایل اساسی ایجاد کننده ی اختلاف نیز می باشند. این برای حفظ رابطه طرفین بسیار سود آور است.

### کارآیی و اطمینان

با توجه به نقش اراده ی طرفین دعوی در تعیین فرآیند، آیین و تشریفات حل و فصل اختلاف، و فرد یا افرادی که به حل اختلاف می پردازند و نیز منشاء ارادی ماحصل این فرآیند، باید گفت که برخلاف قضات دادگاه ها که طرفین اختلاف کوچکترین نقشی در تعیین ایشان نداشته و حتی شناختی از وی و صلاحیت های علمی و اخلاقی او ندارند، داوران و یا اشخاصی که به میانجیگری می پردازند، منتخب مستقیم و یا مع الواسطه، طرفین دعوی و مورد وثوق آنها بوده و لذا به جهت نقش فعال طرفین در تمام فرآیند رغبت بیشتری به اجرای نتیجه و ماحصل آن (اعم از رای داوری، سازش نامه و غیره) دارند (ستانکزی، ۱۳۸۵)

### ۶- یافته های تحقیق

#### بحث و نتیجه گیری

فرضیه ۱: اصول کلی میانجیگری اعم از انصاف، حسن نیت، رازداری، مصلحت متهم و .... در صلح و سازش رعایت گردیده و مورد رضایت طرفین می باشد.

در مورد اهمیت میانجیگری همین بس که الله متعال در قرآن کریم به مسلمانان چنین فرموده است: **إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** { (الحجرات/۱۰) «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران تان صلح آورید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید.»

حتی فراتر از آن دین مقدس اسلام امر میکند که هر گاه بین دو گروه مؤمن نزاعی به وجود میآید بر ما است که بین آنها صلح و آشتی به وجود بیاوریم. الله متعال چنین فرموده: {وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا} (الحجرات/۹) «و اگر دو گروه از مومنان با هم به جنگ پرداختند میان آنها آشتی برقرار نمایید.»

از آیه های فوق واضح میگردد که صلح آوردن بین طرفین درگیر در یک منازعه، حکم خداوند متعال است. هرگاه میان مسلمانان اگرچه دو نفر هم باشند منازعه ایجاد شود صلح آوردن وظیفه ی اسلامی و اخلاقی مسلمانان می باشد. بنابراین نباید بیتفاوت ماند چرا که بیتفاوت ماندن در این مورد در حقیقت از حکم خداوند شانه خالی کردن است الله جل جلاله برای ما حکم کرده که در میان دو برادر خود صلح کنید. اما طریقه های ایجاد صلح را به خود ما گذاشته است تا با استفاده از عقل و منطق خود در پرتو ارشادات دین مقدس اسلام صلح را بین طرفین ایجاد و تقویت نماییم. اسلام همیشه پیروان خود را به صداقت و امتناع از دروغ گفتن دعوت نموده است که این عمل نیکو از اخلاق اسلامی یک مسلمان به شمار میرود اما اینکه بعد از به وجود آمدن نزاع و اختلاف بین دو نفر یا دو گروه خشونت ببار نیاید به شخص سوم یا میانجی و حتی برای اطراف دخیل در منازعه اجازه داده است تا به همدیگر دروغ بگویند و بدین گونه از خشونت نجات یابند. چنانچه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در حدیث ام کلثوم رضی الله تعالی عنها چنین میفرماید:

عن أم كلثوم بنت عقبة بن أبي معيط رضی الله عنها قالت: سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم يقول: «ليس الكذاب الذي يصلح بين الناس فينمي خيرا، أو يقول خيرا». از ام کلثوم بنت عقبه بن ابی معیط رضی الله عنها روایت شده که گفت: از رسول الله صلی الله علیه وسلم شنیدم که میفرمود: «کسی که در میان مردم صلح میآورد، سخن خیری را میرساند و یا خیری میگوید، کذاب و دروغگوی به شمار نمیرود.»

درگیری و نزاع در کلیه مسائل، زندگی تاریخی به قدمت عمر بشر دارد و امری است که اکثرا بین انسانها به وقوع می پیوندد و علت آن هم اختلاف سلیقه ها، خود خواهی ها و بطور کلی فطرت کمال طلب انسان است و از آنجا که فطرت یا طبع انسان ها در زیاده خواهی با یکدیگر تزاخم پیدا می کند و باعث اختلاف بین آن ها می شود. انسان یک بعد مادی دارد و یک بعد الهی و خداوند هراسانی را با خصوصیات و سلیقه های متفاوت آفریده است. به همین علت هم انسانها نمی توانند بدون اختلاف زندگی کنند، اما اینکه علت اختلاف انسانها ایا طبیعت انسان است یا بعد حیوانی او. در این رابطه علامه طباطبایی می فرماید دو خواست فطری می تواند با یکدیگر تزاخم پیدا کند چرا که انسان فطرتا کمال خواه است و زیاده خواه یعنی می خواهد از هر چیزی بهترینش را داشته باشد و این حس کمال خواهی است که نهایتا موجب اختلاف میشود. بنابراین خداوند پیامبران را برای حکم و داوری کردن بین انسان ها آفرید تا اختلاف بین شان حل شود چرا که اصولا فلسفه بعثت در همین است. بنابراین مشخص می شود که خداوند هم برای رفع اختلافات بشر داوران و یا میانجی هایی فرستاده اند تا انسان را از اختلاف و درگیری بر حذر نمایند ولی علی رغم همه اینها انسانها به خاطر خصیصه فطرت و سرشت ذاتی خود اختلافاتی بینشان بوجود می آید که اگر کسی بین آنها داوری نکند ممکن است هرگز این اختلاف حل نشود. دلیل تصویب تمامی قوانین فقهی و حقوقی نیز در همین نکته نهفته است لیکن با توجه به ابعاد وسیع و تنوع اختلافات امکان رفع همه آنها توسط دادگاه ها اولا امکان پذیر نیست ثانيا وقت زیادی را به خود اختصاص می دهد. لذا وجود یک میانجیگر بی طرف و صالح که مورد اعتماد طرفین دعوا باشد می تواند در رفع اختلافات موثر بوده و علاوه بر جلوگیری از تزییع مال و وقت طرفین حتی بین آنها دوستی برقرار کند. لازم به ذکر است که میانجیگری دارای اصول و قواعدی از قبیل انصاف، حسن نیت، رازداری، مصلحت متهم و غیره است که باید در بین طرفین رعایت گردد. در این رابطه دربسیار از کشور ها و حتی در کشور خودمان از دیرباز مراکزی به این نام وجود داشته که زیر نظر دادگاه ها عمل می کرده اند و با آموزش های لازم به میانجی ها و داوران آنها را در صدور رای توانمند می ساخته اند. از علل وجود چنین مراکزی این است اگر فردی صالح از دیار و منطقه محل اختلاف میانجیگری کند اولا با فرهنگ و جو حاکم منطقه آشنا است، ثانيا به راحتی در دسترس است، ثالثا هر دو طرف را به خوبی می شناسد، رابعا با مسائل و مشکلات منطقه به خوبی آگاه است و خلاصه اینکه زیر وبم کار را به خوبی می شناسد و با شنود اعتراضات طرفین از طریق کدخدامنشی بین آنها داوری نموده و معمولا درصد بسیار بالایی از این اختلافات در همان مرحله اول رفع می گردد بنابراین فرضیه اصلی تحقیق با عنوان: اصول کلی میانجیگری اعم از انصاف، حسن نیت، رازداری، مصلحت متهم و ... در صلح و سازش رعایت گردیده و مورد رضایت طرفین می باشد. به خوبی رعایت گردیده و می توان ادعا نمود که اگر میانجیگری با عدل و انصاف و حسن نیت انجام شود بین طرفین دعوا ایجاد رضایت خواهد نمود. بنابراین فرضیه مورد تایید قرار می گیرد.

**فرضیه ۲:** سیاست جنایی در صلح و سازش بوسیله میانجیگری کیفی از انسجام کافی برخوردار می باشد.

میانجیگری به یکی از راه های حل مسالمت آمیز اختلاف های بین المللی اطلاق می شود. میانجیگری، مداخله یک واسطه ماهر و بیطرف برای تسهیل حل مسائل مورد اختلاف بین طرفها از طریق مذاکره است. اساسا میانجیگری رویکردی صلح آمیز، غیر قهری و غیر الزام آور به مدیریت منازعه میباشد که طرفهای درگیر آزادانه وارد آن میشوند. بنابراین میانجیگری عمدتا روشی وظیفه محور میباشد که هدف آن حل مشکل مشترک طرفها است و در کل به طور مستقیم به ماهیت رابطه اجتماعی بین طرفها مربوط نمیشود (ریفا Raiffa



۱۹۷۱: ۲۳۰). میانجیگری امری پیچیده و متغیر است و منوط به بررسی تأثیر متقابل اقدامات میانجی با تکیه بر منابع و علائق در زمینه مناقشه و یا نتایج حاصل از آن از یک سو و طرفین مناقشه یا نمایندگان آنها از سوی دیگر میباشد. میانجیگری تنها یک اقدام صوری و رسمی نیست، در روش خلاصه نمیشود و نباید درکی ابزار گونه از آن داشت. میانجیگری که مستلزم آمیزه ای از هوش و درک فوق العاده، بهره مندی از سجایای عالی انسانی و ملاحظات سیاسی است، دارای فلسفه های خاص میباشد. میانجیگری تضمینی برای آن است که گروههای انسانی در فضایی از تفاهم و همکاری موجب تکامل تاریخ تمدنها و فرهنگ یکدیگر شوند. میانجیگری دانش تداوم صلح و مجموعه مهارتهایی برای افزایش تفاهم و درک متقابل گروههای بشری است. میانجیگری را میتوان یکی از انسانترین مفاهیم در حوزه روابط بین الملل و حقوق بین الملل دانست (لایل، ۱۹۶۶: ۱۴). هرچند این روش عاری از عیب هم نمی باشد. و در کنار تمام امتیازات گاه ایراداتی نیز دارد که حتی ممکن است میانجیگری به حصول سازشنامه یا توافقنامه ختم نشود. البته با توجه به اینکه سیاست پیش بینی شده در ق آ د ک ۱۳۹۲ صرفاً جرایم کم اهمیت و درجه ۷ و ۸ را مشمول نهاد میانجیگری کیفری قرار داده است. امکان حصول سازش نامه (توافقنامه) با توجه به امتیازات زیاد این نهاد که در بخش های قبل ذکر شد را ایجاد می نماید.

رضایت طرفین منازعات از میانجیگری از مهمترین معیارهای ارزیابی طبیعت و ماهیت میانجیگری است. طرفین منازعات رضایت خود را از میانجیگری بدان دلیل مورد تأکید قرار میدهند که عمل میانجیگری فرصت لازم برای اظهار نظر نهایی و یا خدمات مورد انتظار را برایشان فراهم خواهد آورد (مقتدر، ۱۳۷۲: ۱۰). هرچند که میانجیگری وقتی سودمند خواهد بود که دائمی و پایدار باشد و فرصتهایی ایجاد نماید که موجب اجتناب از بروز منازعات مشابه در آینده شود (فن گلاین، ۱۳۷۹: ۵۹۴). رعایت بیطرفی و انصاف در زمره دیگر معیارهایی است که در ارزیابی نتایج میانجیگری به کار گرفته می شوند. بیطرفی و رعایت انصاف را میتوان از طریق تأکیدی که طرفین منازعات بر عمل میانجیگری یا نتایج آن مینمایند، ارزیابی نمود.

همانگونه که بحث شد میانجیگری یکی از قدیم ترین و شایع ترین روشهای اجرای عدالت ترمیمی بین انسانها بوده که یا هدف و روش خاص خود همراه با مشارکت آزادانه و ملاقات چهره به چهره بزه دیده و بزهکار انجام شده است. در این میان چون داور (میانجی) در حل اختلاف بین افراد از نظر فرهنگی و قومی همچون طرفین دعوا می باشد و تصمیمات او به نوعی با الهام از نظرات طرفین دعوا بوده و خود چیزی را بر آنها تحمیل نمی کند و اگر طرفین نظر او را نپذیرند مجبور می شوند که دعوی خود را به مراجع قانونی برده که با وقت و هزینه زیادی روبرو می شوند، اگر میانجی فردی صالح و متدین و بی نظر باشد، تمایل دارند نظر میانجی را بپذیرند. البته این قضاوت ممکن است در همه دعاوی موثر واقع نشود و واقعاً نیازمند نظر کارشناسی حقوقی داشته باشد که در این صورت میانجی آگاه و خبره با تهیه صورتجلسه و باز پرسى مقدماتی پرونده را به مراجع قانونی بالاتر ارجاع داده تا در آنجا تصمیم گیری شود ولی باید خاطر نشان ساخت که درصد بالایی از اختلافات معمولاً در همان جلسه اول و با وساطت میانجی حل و فصل می گردد که این امر کمک شایانی به مراکز قضایی کشور خواهد نمود. لذا مشاهده می شود فرضیه دوم تحقیق با عنوان: سیاست جنایی در صلح و سازش بوسیله میانجیگری کیفری از انسجام کافی برخوردار می باشد باید اذعان نمود که میانجیگری کیفری از انسجام کافی برخوردار است. و فرضیه تأیید می گردد.

### فرضیه ۳: آیین نامه اجرایی میانجیگری سازگاری زیادی با اصول صلح و سازش دارد.

مقررات ماده ۸۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری در رابطه با امکان ارجاع موضوع جهت حصول سازش میان بزهکار و بزه دیده در جرایم تعزیری درجه شش و هفت و هشت مبین تمایل قانونگذار به میانجیگری کیفری جامعوی توأم با نظارت مقام قضایی است که ضمن توجه به سیاست جنایی مشارکتی که توأم با جلب همکاری شهروندان و نهادهای جامعه مدنی برای قضا زدایی و پرهیز از استفاده از پاسخهای سرکوبگرانه به جرم است؛ جلوه ای از عدالت ترمیمی است که تا اندازه ای عدالت کیفری را به عدالت مدنی نزدیک کرده و مرزهای سنتی بین حقوق کیفری و حقوق مدنی را کمرنگ مینماید. با این حال برای اجرای دقیق مفاد ماده مذکور و تعیین شیوه ارجاع به میانجیگری و رفع ابهامات تقنینی در این خصوص، ضرورت داشت تا بر مبنای ماده ۸۴ قانون دادرسی کیفری، آییننامه اجرایی میانجیگری در امور کیفری به تصویب برسد که در نهایت بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری این آییننامه در ۳۸ ماده به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید. در این آیین نامه ضمن تعاریف و اصطلاحات، به موارد مهمی همچون نحوه ارجاع به میانجیگری، انتخاب میانجیگر و شرایط آن، شرایط و نحوه تأسیس مؤسسات میانجیگری و نظارت بر فرایند میانجیگری اشاره شده و در خصوص آنها تعیین تکلیف شده است. تصویب این آیین نامه موانع عملی پیش روی ارجاع امر به میانجیگری در فرایند دادرسی های کیفری را برداشت. قاعدتاً چنانچه قضات شاغل در دستگاه قضایی نیز با این سنخ از دستاوردهای جدید علوم جنایی آشنا بوده و بر اجرای عملی آن اعتقاد داشته باشند؛ در مورد بسیاری از جرایم خرد امکان خروج موضوع از فرایند معمول و عادی قضایی میسر شده و با قضا زدایی، موضوع کیفری در خارج از دستگاه قضایی قابل حل و فصل خواهد بود. (سید مهدی حجتی، ۱۳۹۴، میانجیگری راهکاری نو در دادرسی های کیفری، وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه، روزنامه ایران) (ماده ۸۲ ق آ د ک- در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آنها قابل تعلیق است، مقام قضایی میتواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت

ناشی از جرم اقدام کند. همچنین مقام قضایی می تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه ای برای میانجیگری ارجاع دهد. مدت میانجیگری بیش از سه ماه نیست. مهلت های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف میشود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، مقام قضایی میتواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، مقام قضایی متهم را با رعایت تبصره های ماده (۸۱) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورهای موضوع ماده مذکور میکند. همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم بدون عذر موجه، بنا به درخواست شاکی یا مدعی خصوصی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را ادامه میدهد. تبصره - بازپرس میتواند تعلیق یا ارجاع به میانجیگری را از دادستان تقاضا نماید) لذا مشخص می گردد که آیین نامه اجرایی میانجیگری سازگاری زیادی با اصول صلح و سازش دارد. و فرضیه مورد تایید قرار می گیرد.

#### ۷- نتیجه گیری

در میانجیگری اختلافات در محیطی دوستانه و توأم با همکاری و همفکری و با دید حل و فصل اختلاف مورد بحث قرار می گیرد و میانجیگر با توجه به اختلافات طرفین و نظرات آنها و پس از بررسی راه حل های ممکن با رعایت حقوق منافع دو طرف، راه حلی مناسب را پیشنهاد می کند (هوته، ۲۰۰۲: ۳۸۵). مقررات ماده ۸۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری در رابطه با امکان ارجاع موضوع جهت حصول سازش میان بزهکار و بزه دیده در جرایم تعزیری درجه شش و هفت و هشت مبین تمایل قانونگذار به میانجی گری کیفری جامعهی توأم با نظارت مقام قضایی است که ضمن توجه به سیاست جنایی مشارکتی که توأم با جلب همکاری شهروندان و نهادهای جامعه مدنی برای قضا زدایی و پرهیز از استفاده از پاسخهای سرکوبگرانه به جرم است؛ جلوه ای از عدالت ترمیمی است که تا اندازه ای عدالت کیفری را به عدالت مدنی نزدیک کرده و مرزهای سنتی بین حقوق کیفری و حقوق مدنی را کمرنگ مینماید. باید اذعان نمود که بررسی تاریخ حقوق بیناگر آن است که زمان های دور که دولت ها به شکل امروزی تشکیل نشده بودند و اداره امور زندگی اجتماعی مردم تحت هیچ نهاد سازمانی نبود، این خود مردم بودند که به صورت خود جوش و گاه نیمه سازمان یافته نسبت به حل و فصل امور و دعاوی مابین خویش اقدام می کردند، اما با تشکیل دولت و ایجاد سازمان ها و نهادهای حاکمیتی، بسیاری از امور از جمله امور مربوط به رسیدگی و حل و فصل دعاوی و واکنش در قبال پدیده های ضد اجتماعی، در صلاحیت انحصاری دولت ها قرار گرفت و حدود مداخله مردم بخصوص در زمینه پاسخ به پدیده مجرمانه به شدت محدود شد. بدین ترتیب بطور کلی تا نیمه اول قرن بیستم، معمولاً دولت ها با ایجاد قوانین و روش های سرکوبگر کیفری سعی در مقابله با بزه و بزهکاری می کردند؛ لیکن بعد از آن طی تحولات اجتماعات سیاسی، این روشها به سمت و سوی حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و در نتیجه افزایش مشارکت های مردمی در قلمروهای گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... مشارکت شهروندان به قلمرو امور قضایی نیز تسری پیدا کرد و بدین ترتیب نقش مردم و شهروندان علاوه بر تعیین نمایندگان قوای مقننه که مؤثر در امر قانونگذاری و جرم انگاری بود، به مشارکت آنان به انحای مختلف در پاسخ به پدیده مجرمانه نیز توسعه یافت و در قالب دستاوردهای علوم جنایی، عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» بدان اطلاق شد. شرکت دادن عموم مردم در سیاست جنایی، افزون بر رفع دلنگرانی های مشروع در راستای بالا بردن کارایی، به معنای آن است که امروزه پیشگیری و سرکوب بزهکاری از جمله اموری هستند که به همه افراد جامعه مربوط می شود و دولت تنها مرجع انحصاری برای واکنش در قبال پدیده مجرمانه نیست. با این حال نکته اساسی آنجاست که مداخله شهروندان در فرآیند تحقق عدالت کیفری به تنهایی نتیجه ای دربر نخواهد داشت بلکه مشارکت یا دخالت شهروندان در یک فرآیند کیفری مستلزم به رسمیت شناختن اقدام ها و تلاش های مردم یا سازمان های مردم نهاد توسط دولت است. که با تصویب مواد مربوط به میانجیگری در ق آ د ک ۱۳۹۲ و اصلاحات و متعاقباً تصویب آیین نامه اجرایی میانجیگری کیفری در راستای این هدف (نیل به سیاست جنایی مشارکتی) گام بر داشته شده است.

## منابع و مراجع

- ۱- احمدی، لیلی (۱۳۹۳). میانجیگری روشی مؤثر در تحقق عدالت ترمیمی. فصلنامه مددکاری اجتماعی. صفحات ۴۴-۵۱.
- ۲- آیین نامه میانجیگری در امور کیفری. موضوع ماده ی ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- ۳- حاجی پور، یاسر و رحمان پور، ابوطالب (۱۳۹۳). میانجیگری کیفری با توجه به قانون جدید آیین دادرسی کیفری، نشر گستر
- ۴- حبیبی، رحمان (۱۳۸۶). میانجیگری کیفری راهی به سوی کیفر زدایی. اداره زندان محلات.
- ۵- حاجتی، مهدی (۱۳۹۴). میانجیگری راهکاری نو در دادرسی های کیفری، وکیل دادگستری و مدرس دانشگاه روزنامه ایران.
- ۶- داوید، رنه (۱۳۷۵). مفهوم و نقش داوری در بازرگانی بین المللی. ترجمه دکتر سید حسین صفایی. چاپ اول. صفحه ۸۲.
- ۷- دفتر امور بین الملل قوه قضائیه (۱۳۹۲). چگونگی صلح و سازش در دعاوی کیفری و مدنی. مجله آنلاین حقوق. سایت وکالت.
- ۸- ستانکز، عبدالخالق (۱۳۸۵). مجمع نهادهای جامعه مدنی افغانی برای صلح، صلح از دیدگاه اسلام. چاپ اول. کابل
- ۹- قویدل جعفری، امین (۱۳۹۴). رویکرد میانجی گری در قانون جدید آیین دادرسی کیفری. همایش ملی قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ در بوته نقد. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرمشناسی. دانشکده حقوق. دانشگاه شیراز. ایران. صفحات ۱-۱۷.
- ۱۰- کاظم پور، اسماعیل؛ خلخالی، علی و جانعلی، پور رضا (۱۳۹۱). تاثیر برنامه آموزش صلح در تربیت شهروند جهانی. نشریه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی. دوره ۳. شماره ۳. پیاپی ۱۱. صفحات ۴۹-۶۲.
- ۱۱- مجیدی، بهروز (۱۳۹۲). میانجیگری جلوه ای نوین از عدالت کیفری. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی. دانشگاه مفید قم. انتشار پایگاه حقوقی. حق گستر
- ۱۲- محمدی، سهیلا (۱۳۹۳). میانجیگری در امور کیفری با تکیه بر نقش وکیل. اولین همایش ملی وکالت. اخلاق. فقه و حقوق. میبد یزد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد.
- ۱۳- موسوی، فاطمه (۱۳۸۸). حقوق بین المللی بشر دوستانه. مجموعه مقالات در تدارک صلح جهانی. تهران. مؤسسه نشر شهر.
- ۱۴- میرکوشش، امیرهوشنگ و نوری صفا، شهرزاد (۱۳۹۲). هستی شناسی صلح بین الملل در بستر فرهنگ مدارا و صلح ایرانی. شماره ۶۸. سال ۲۲. صفحات ۷-۳۲.
- 15-Arbitrage- Jarrosson Charles(1987), Lantion d,Tomecxvlll,paris,,p179
- 16-Berger,K. P.(2002), Private Dispute Resolution: Negotiation Mediation Arbitration,Vol. 2.
- 17-Capra, Oliver, (2002), Les Sociétés et l'arbitrage, LGDJ, Paris
- 18-David, René, (1982), L'arbitrage dans le commerce international, Paris, Economica
- 19-Hess, Berkhart, (2005), "Médiation et Contentieux de la Consommation", Mediation et Arbitrage: Alternative Dispute Reolution, Loïc Cadet et Thomas Clay et Emmanuel Jeuland (ed), Paris.
- 20-Houtte, H. V., (2002), The Law of International Trade, 2nd Edition, London
- 21-James, Paul, (1997), The Divorce Mediation Handbook, San Francisco, Jossey-Bass

- 22-Kemicha, Fathi, (1996), "The Approach to Mediation in the Arab World", Wipo Conference on Mediation, Organized by the Wipo Arbitration and Mediation Center, Geneva.
- 23-Kovach, K. K., (2005), "Mediation", The Handbook of Dispute Resolution, Michael L. Moffitt and Robert C. Bordone (Editors), Jossey-Bass.
- 24-Marriott, Arthur, (2003), "ADR in Civil and Commercial Disputes", Bernstein's Handbook of Arbitration and Dispute Resolution Practice, John Tackaberry and Arthur Marriott (Editors), Vol. 1, London, Sweet and MaxwellLoïc Cadiet et Tomas Clay et Emmanuel Jeuland, Paris.
- 25-Mistelis, L. A., (2001), "ADR in England and Wales", the American Review of International Arbitration, Vol. 12.
- 26-Moffitt, M. L., and Bordone, Robert, (2005), "Perspectives on Dispute Resolution: an Introduction", the Handbook of Dispute Resolution, Michael L. Moffitt and Robert Bordone (Editors), First Edition, Jossey-Bass.
- 27-Motiwal, O. P, (1998), "Alternative Dispute Resolution in India", Journal of International Arbitration, Vol. 15, No. 2.
- 28-Tarzia, Giuseppe, (2005), "Médiation et Institution Judiciaires", Médiation et Arbitrage ,
- 29-Timsit, Jean, (2003), "Mediation: an Alternative to Judgment, not an Alternative Judgment", Arbitration: the Journal of the Chartered Institute of Arbitrators, Vol. 69. No.
- 30-Tweeddale, Andrea and Tweeddale, Keren, (2005), Arbitration of Commercial Disputes : International and English Law and Practice, New York Oxford University Press.
- 31-Umbreit, M. S. and Coats, R. B. and Vos, Betty, (2005), "Victim Offender Mediation", the Handbook of Dispute Resolution, Michael L. Moffitt and Robert C. Bordone (Editors), Jossey-Bass